

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

از سعیدی سیرجانی
فرستنده: ش. هوادار پورتال
۰۴ فیروزی ۲۰۱۳

خدا ناشناس

خبر داری ای شیخ دانا که من
نه سر بسته گویم در این ره سخن
زدم چون قدم از عدم در وجود
خدای تو ننگین و آلوده بود
خدائی بدینسان اسیر نیاز
خدائی که بهر دو رکعت نماز
خدائی که جزدربان عرب
خدائی که ناگه شود در غضب
خدائی چنان خودسر و بلهوس
به پاداش خشنودی یک مگس
خدائی که با شهپر جبرئیل
خدائی که در کام دریای نیل
خدائی که بی مزد مدح و ثنا
خدا نیست بیچاره، ورنه چرا
خدای تو گه رام و گه سرکش است
دل او به "دلالت بازی" خوش است
خدای توبا و صف غلمان و حور
به مکر و فریب و به تهدید و زور
خدای تو مانند خان مغول
ز تهدید آن کارفرمای کل
چو دریای قهرش در آید به موج
به دوزخ فرو افکند فوج فوج

خدا ناشناسم خدا ناشناس
نه از چوب تکفیر دارم هراس
خدایت برم اعتباری نداشت
پرستیدنش افتخاری نداشت
که بر طاعت چون توئی بسته چشم
گه آید به رحم و گه آید به خشم
به دیگر زبانی نفهمد کلام
بسوزد به کین خرمن خاص و عام
که قهرش کند بیگناهان تباہ
زدوزخ ر هاند تنی پر گناه
کند شهری آباد را زیر و رو
برد لشکر بی کرانی فرو
نگردد به کار کسی چاره ساز
به مدح و ثنای تو دارد نیاز؟
چو دیوی که اش باید افسون کنند
وگرنه "شفاعتگران" چون کنند؟
دل بندگان را به دست آورد
به زیر نگیں هر چه هست آورد
"به تهدید چون برکشد تیغ حکم"
"به مانند کر و بیان صم و بکم"
ندانند گنه کار از بی گناه
مسلمان و کافر، سپید و سیاه

خدای تو اندر حصار ریا
کسی دم زند گر به چون و چرا
خدای تو با خیل کر و بیان
چوشاهی که از کار خلق جهان
نهان گشته در خلوتی تو به تو
توئی محرم او که از کار او
تو زاهد بدینسان خدائی بنواز
اسیر نیاز است و پابند از
نه پنهان نه سر بسته گویم سخن
مرنج از من ای شیخ دانا که من
نهان گشته ، کز کس نیبند گزند
به تکفیر گردد چماقش بلند
به عرش اندرون بزمکی ساخته
به کار حرمخانه پرداخته
به درگاه او جز ترا راه نیست
کسی در جهان جز تو آگاه نیست
که مخلوق طبع کج اندیش تست
خدائی چنین لایق ریش تست!
خدانیست این جانور ، از دهاست
خدا ناشناسم اگر "این" خداست!